

همدستی براندازان و تدریهای داخلی، علیه پزشکيان

تبليغ عليه پزشکيان به معنای اين بود که به او رای ندهيد و اين يعنی مشارکت نکنيد؛ چون بخش مهمی از رای به پزشکيان از جانب کسانی بود که تصميم قطعی داشتند که به نامزدهای ديگر رای ندهند و اگر به او نیز رای نمی‌دادند، طبعاً بايد در خانه می‌نشستند و عطای مشارکت را به لقای آن می‌بخشيدند.

به گزارش سايت خبری پرسون، در زمان تبليغات انتخاباتی بسيار ديده می‌شد که نوعی همسویی نوشته يا نانوشته میان بخشی از نیروهای تندرو داخلی و براندازان خارجی وجود دارد. اين نیروها در دو مسئله اتفاق‌نظر داشتند.

اول، تبليغ عليه پزشکيان و حاميان او و دوم، تبليغ برای کاهش مشارکت. اين دو رویکرد در اصل دو روی یک سکه بودند. چون تبليغ عليه پزشکيان به معنای اين بود که به او رای ندهيد و اين يعنی مشارکت نکنيد؛ چون بخش مهمی از رای به پزشکيان از جانب کسانی بود که تصميم قطعی داشتند که به نامزدهای ديگر رای ندهند و اگر به او نیز رای نمی‌دادند، طبعاً بايد در خانه می‌نشستند و عطای مشارکت را به لقای آن می‌بخشيدند.

تبليغ عليه مشارکت هم منجر به اين می‌شد که به پزشکيان رای ندهند. فرض کنید میزان مشارکت در دور دوم به همان اندازه ۴۰ درصد دور اول بود و ۶ ميليون کمتر مشارکت می‌کردند. در اين صورت، مطابق برآوردها اين کاهش مشارکت منجر به کاهش حدود ۸/۴ ميليون از رای پزشکيان و کاهش ۲/۱ ميليون رای جلیلی می‌شد. چون مشارکت‌کنندگان حدوداً به نسبت ۸۰ به ۲۰ يا ۷۵ به ۲۵ به سود پزشکيان رای می‌دادند.

بنابراين، کاهش مشارکت به سود دو گروه بود؛ یکی براندازان خارجی و ديگری تدریهای داخلی که هر دو منافع همسویی داشتند. پس روشن بود که هر دو گروه مزبور، طرفدار کاهش مشارکت باشند. حاميان خارجی اين ایده از بالادست خود دستور می‌گرفتند، ولی طرفداران داخلی اين ایده خط‌مشی خود را چگونه با خواست رهبری تطبيق و همسو معرفی می‌کنند؟ هيچ راهی برای اين کار وجود ندارد.

هر دو شکست فاحشی خوردند تا روز يکشنبه که آقای پزشکيان در مجلس چنين گفت: «اين مردم عزیزی که آمدند علی‌رغم تبليغاتی که می‌کردند که نيابند پای صندوق‌های رای،... آمدند و مشت محکمی به دهان آدم‌هایی که از خارج و داخل نشسته بودند و تبليغ می‌کردند، زدند.»

مسئله کاملاً روشن است وی هيچ تعريضی نسبت به رای‌نداده‌ها نکرد. قبلاً هم پس از دور اول به‌صراحت گفته بود که ۶۰ درصد نيامدند و گفتند شما را قبول نداريم و ما همه شکست خورديم. ولی اين رفتار مردم فرق می‌کند با اينکه عده‌ای تمام‌قد برای تبليغ عليه رای دادن وارد شوند. با وجود اين، در دور دوم حدود ۱۶ درصد مردم نسبت به دور اول به رای‌دهندگان اضافه شدند (با احتساب ۶ درصدی که دور اول رای داده بودند و دور دوم شرکت نکردند). اين ۱۶ درصد مخالفت جدی با تبليغ‌کنندگان عليه مشارکت انتخاباتی کردند و اين بسيار مهم بود و پاسخی به نسبت مؤثر و کوبنده عليه تبليغاتچی‌هایی داخلی و خارجی عليه اصل مشارکت بود.

حال اين جمله و گزاره روشن را به مستمسکی عليه پزشکيان تبديل کرده‌اند که چرا عليه رای‌نداده‌ها حرفی زده است؟ درحالی‌که هرکس متن را بشنود يا بخواند، متوجه می‌شود که اين جملات عليه تبليغاتچی‌های مخالف مشارکت بود و الا شايد در میان اعضای طرفداران رای به پزشکيان کسانی بودند که در دور اول و حتی در دور دوم از مجموعه رای‌نداده‌ها بودند و همه اينها نیز صادقانه و براساس فهم و وجدان خود رای ندادند و بسياری از آنان نیز با ديدن نتيجه دور دوم خوشحال شده‌اند و آماده حمايت هستند و مهمتر از همه اينکه وظيفه پزشکيان احیای امر سياست از طريق تامين نسبی خواست اين افراد است.

نحوه رفتار اين دو گروه در تحريف سخنان و تحريف شخصيت و مواضع آقای پزشکيان نشانه اتحاد دوباره تدریهای داخلی با براندازان خارجی است. پزشکيان تاکنون نشان داده آن اندازه صداقت و شهامت دارد که اگر حرف نادرستی زد، پوزش بخواهد و آن را اصلاح کند؛ ولی اين گزاره او خیلی دقيق بود و به هدف اصابت کرده است. البته تنها نکته‌ای که می‌ماند استفاده از کلمه «زدن مشت محکم» است که طبعاً اين انتقاد وارد است و بايد اين نوع ادبيات اصلاح شود؛ ولی مضمون مطلب را نبايد تحريف کرد.